

## جایگاه ترکیه در سیاست خارجی اتحادیه اروپا در دو دوره اردوغان قبل و بعد کودتا

دکتر علیرضا محمدخانی\* / رسول حسنلو\*\*

### چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف ترکیه در سال‌های اخیر پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. عضویت در این اتحادیه مزایای فراوانی را برای کشورها به همراه دارد. از سوی دیگر کشورهای توسعه‌یافته اروپایی نیز برآنند تا با توسعه مرزی اتحادیه اروپا تاثیر سیاسی و اقتصادی خود را بر دنیا افزایش دهند و از طرفی مسائل و مشکلاتی در جهت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را برمی‌شمارند. ترکیه برای پذیرش عضویت خود در اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر اصلاحات اساسی در زمینه‌های مختلف صورت داده است. بر این اساس و در نتیجه‌ی اجرای این اصلاحات شاهد کاهش نقش نظامیان و تحول در حقوق اقلیت‌ها و رعایت بیشتر حقوق بشر در این کشور هستیم، که پس از انجام این اصلاحات از طرف دولت ترکیه شاهد روند مثبتی در مذاکرات بوده‌ایم، اما پس از کودتا ۲۰۱۶ و اقداماتی که اردوغان در برابر این کودتا انجام داد، نظر اروپاییان نسبت به دولت ترکیه تغییر کرد و روند رو به رشد مذاکرات بین این اتحادیه و ترکیه برای الحاق این کشور به اتحادیه با مشکلات اساسی روبه‌رو شده است. در این راستا، این مقاله با کاربست نظریه همگرایی درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا جایگاه ترکیه در سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از کودتا دچار تغییر شده است؟ بر این اساس فرضیه مقاله این است که به نظر می‌رسد که جایگاه ترکیه در سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از کودتای سال ۲۰۱۶ به دلایلی از قبیل حقوق بشر، نگاه بدبینانه دولت ترکیه به اروپا و مشکل مهاجران نسبت به قبل از کودتا از جایگاه مناسبی برخوردار نباشد. روش تحقیق مبتنی بر راهبرد پژوهشی توصیفی-تحلیلی است.

### کلید واژه‌ها

اتحادیه اروپا، ترکیه، کودتا، همگرایی و واگرایی.

\* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (نویسنده مسئول)

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

## مقدمه

همگرایی و واگرایی به‌عنوان دو رویکرد مهم در رفتار دولت‌ها و بلوک‌های منطقه‌ای در عرصه سیاست بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مورد در بین اندیشمندان روابط بین‌الملل نظریات گوناگون و گاه متضادی وجود دارد. در این میان عواملی که به همگرایی یا واگرایی میان واحدهای سیاسی می‌انجامد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. دولت‌ها بسته به اهداف، نیات، منافع و برداشت‌های گوناگون و گاه متفاوت و متعارض وارد دسته‌بندی‌های منطقه‌ای شده و یا برعکس، در مقابل یک ائتلاف و یا اتحادیه‌ی منطقه‌ای موضع منفی اتخاذ می‌کنند. ترکیه به‌عنوان یک کشور و اتحادیه‌ی اروپا به‌عنوان سازمان فراملی متشکل از چندین واحد سیاسی مستقل در طول چندین دهه‌ی گذشته در جهت تعمیق و گسترش همکاری میان خود در حرکت بوده‌اند.

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ ترکیه، تحولی مهم در سیاست خارجی ترکیه به وجود آمد. هم‌زمان با تغییر شرایط بین‌المللی پس از جنگ سرد و در پاسخ به نیازهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست خارجی ترکیه نیز دچار دگرگونی شده و رویکرد نوینی را، به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، در پیش گرفته است. آنکارا همه تلاش خود را به کار گرفته تا با ورود به عرصه‌های تعامل و همگرایی با نظام بین‌المللی، حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را بر پایه منافعش در دو محور مهم گسترش دهد: نخست، این که می‌خواهد با پیوستن به اتحادیه اروپایی ثابت کند که از نظر تاریخی، راهبردی و اقتصادی به اروپا تعلق دارد. دوم، تلاش می‌کند با بهره‌گیری از موقعیت راهبردی خود در اروپا، قفقاز و آسیا و با ایجاد ساختارهایی جدید و توسعه‌یافته از یک طرف و در دست گرفتن ابتکار میانجی‌گری در اختلاف‌های میان کشورهای همسایه از سوی دیگر در چالش‌های مهم منطقه‌ای ایفای نقش کند. رهبران حزب عدالت و توسعه در حالی به روند عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا شتاب بخشیده‌اند که در گذشته در زمان دولت‌های ائتلافی از مخالفین سیاست‌های غرب‌محور ترکیه بودند و اتحادیه‌ی اروپا را مانند یک باشگاه مسیحی می‌دانستند. بسیاری از مشکلات ترکیه در راه پیوستن در اروپا به جامعه ترکیه و تعریف غیرجامع و غیرمانع رهبران و بنیانگذاران ترکیه از هویت و ملیت در این کشور باز می‌گردد. کشوری با جمعیتی مسلمان و دارای شکاف‌های اساسی نژادی و قومی که به ایجاد موانع درونی و برونی برای نیل به پیوستن به غرب ترکیه منجر گشته است. اقتباس از غرب از سوی جامعه‌ای

مسلمان در بستر جغرافیایی عموماً آسیایی اگرچه می‌تواند برای غرب تحسین برانگیز باشد، اما ورود به باشگاهی مسیحی در بستر جغرافیایی اروپایی به‌عنوان یک عضو می‌تواند حساسیت برانگیز و دلهره‌آور باشد. از سوی دیگر علاوه بر تفاوت‌های مذهبی، سوابق تاریخی ناشی از پیشروی ترکان عثمانی تا نزدیکی قلب اروپا یعنی وین نیز در غیریت‌سازی از ترکیه در راه ورود به اروپا مانع مهمی را ایجاد کرده است. در داخل نیز ناسیونالیسم مبتنی بر قومیت ترک و تلاش برای امحای خرده هویت‌های دیگر مخصوصاً کردها در کنار نقش پررنگ نظامیان در سیاست و ماجراجویی نظامیان در سیاست خارجی ترکیه در مواردی چون قبرس و یونان و در نهایت عدم ثبات اقتصادی از عمده‌ترین چالش‌های فراروی عضویت ترکیه در اروپا می‌باشد.

با توجه به مباحث مطرح شده این مقاله سعی می‌کند تا جایگاه ترکیه در سیاست خارجی اتحادیه اروپا قبل و پس از کودتا در دوره اردوغان را مورد بررسی قرار دهد و در قالب نظریه همگرایی و واگرایی به این سوال پاسخ دهد آیا جایگاه ترکیه در سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از کودتا دچار تغییر شده است؟

### چارچوب نظری

جهان امروز شرایط و مناسبات جدیدی را تجربه می‌کند، در نتیجه روابط بین‌الملل با مفاهیم نوینی روبرو است که در گذشته کاربرد چندانی نداشته و مورد توجه هم قرار نمی‌گرفتند، مفاهیمی که بدون توجه به آن‌ها شاید نتوانیم روابط میان کشورها را در دنیای امروزی به خوبی توصیف نماییم. جهان‌گرایی، منطقه‌گرایی، به‌طور کلی ارتباطات و همگرایی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی از تعابیر جدیدی هستند که ذهن سیاست‌مداران و متفکران سیاسی را به خود معطوف داشته‌اند. اتحادیه اروپایی که به گمان کارشناسان روابط بین‌الملل نمونه‌ای موفق از همگرایی است می‌تواند در چارچوب نظریات همگرایان ارزیابی شود. از این‌رو برای بررسی عملکرد اتحادیه اروپا نگاهی اجمالی به آن دسته از تئوری‌های روابط بین‌الملل داریم که ناظر بر رهیافت همگرایی هستند.

### همگرایی

منظور از همگرایی وضعیتی است که در آن گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و یا کشورها برای حفظ منافع جمعی به همکاری گسترده با یکدیگر بپردازند و به سوی نوعی وحدت گام

بردارند. همگرایی اساس شکل‌گیری جوامع بشری بوده و می‌توان ردپای آن را در نوشته‌های ارسطو،<sup>۱</sup> افلاطون<sup>۲</sup>، اگوستین<sup>۳</sup>، هگل<sup>۴</sup> (کاظمی، ۱۳۷۰: ۲۲-۲۳). اما همگرایی به عنوان یک تئوری نخستین بار توسط دیوید میترانی<sup>۵</sup> پژوهش‌گر انگلیسی در سال‌های بین دو جنگ جهانی مطرح شد.

طبق نظریه میترانی، پیچیدگی روزافزون نهادهای حکومت از اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاستمداران کاسته و در عوض کفه را به نفع کارشناسان فنی که با کارهای سیاسی سر و کار چندانی ندارند سنگین کرده است. میترانی برای توضیح نظریه خود از اصطلاح ریشه دواندن یا گسترش استفاده می‌کند. برای مثال همکاری در زمینه نفت ممکن است به همکاری در زمینه پتروشیمی، حفاظت محیط زیست و حمل و نقل دریایی منجر شود. میترانی معتقد است که تقسیم جهان بین دولت‌هایی که منافع متضاد دارند تنها به بحران و جنگ می‌انجامد. به نظر وی ایجاد شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه ساز همگرایی بین‌المللی هستند بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز است (Dougherty, ۲۸۱: ۱۹۷۱). نظریه پردازان همگرایی بیشترین تأثیر را از نظریه کارکردگرایی پذیرفته‌اند. اندیشمندانی همچون تالکوت پارسونز، منازعه را یک عارضه غیرطبیعی قلمداد می‌کنند و جوامع

بنابراین نظریه‌پردازان همگرایی، دولت‌های ملی را عامل نزاع می‌بینند و معتقدند که رهایی از چهارچوب تنگ دولت‌های ملی و روی آوردن به جامعه بین‌المللی و همگرایی منطقه‌ای پیش درآمد صلح جهانی است. ارنست هاس<sup>۶</sup> همگرایی را پروسه‌ای می‌داند که در آن بازیگران سیاسی در کشورهای مختلف ترغیب می‌شوند وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به رکن جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی در دولت‌های ملی تشکیل‌دهنده آن داشته باشد یا خواهان آن اختیارات باشد تفویض کنند (Dougherty, ۱۹۷۱: ۲۸۱). البته نوکارکردگرایانی نظیر هاس، دولت‌های ملی و منافع ملی را دست کم نمی‌گیرند، اما معتقدند هنگامی که دولت‌های ملی دریابند که منافع آنها در یک نوع اجتماع یا اتحادیه

---

. Aristotle  
. Plato  
. Augustine  
. Hegel  
. David Mytrany  
. Ernst Haas

جدید بهتر تأمین می‌شود به چنین مرکزی روی می‌آورند. بعضی از این نظریه‌پردازان، همگرایی را به عنوان یک فرآیند و برخی آن را یک وضعیت و گروهی دیگر محصول نهایی وحدت سیاسی می‌دانند (Columbis and Wolfe, ۱۹۹۰: ۲۹۸).

### همگرایی و اتحادیه اروپا

همگرایی منطقه‌ای به کشورها این امکان را می‌دهد تا به امکاناتی فراتر و فرصتهایی برابر دست یابند. در این راستا شرط اول کاستن از حاکمیت کشورهاست چرا که هرگونه حرکتی در جهت همگرایی نیازمند کم‌رنگ شدن حاکمیت ملی است. همگرایی اقتصادی و سیاسی در یک منطقه منجر به منافع بیشتر برای کشورهای آن منطقه می‌شود و در سطح سیاسی، امنیت و هماهنگی سیاست‌گذاری‌ها، تنش‌های منطقه‌ای را کاهش می‌دهد و این توانایی را برای منطقه فراهم می‌آورد تا به عنوان یک جبهه متحد در نظام جهانی به ایفای نقش بپردازد. به دنبال برقراری این روابط، وابستگی در جهت هم بستگی تغییر می‌یابد و طرف‌های مبادله به وضوح منافع مشترکی را در میان خود می‌یابند. اگر این واقعیت را بپذیریم که در هر جامعه منافع مشترک بین اعضا عامل تعیین‌کننده‌ای در تکوین و اجرای مقررات حاکم بر آن جوامع است، برقراری روابط تجاری میان کشورها می‌تواند عامل مؤثری در راستای پیشرفت حقوق بین‌الملل و تضمین آن باشد و عملاً مشکلات ناشی از فقدان ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل را بر طرف سازد (توحیدفام و حضوری‌طریقه، ۱۳۹۰: ۳۷۳). از آنجا که همگرایی می‌تواند تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی را در بر گیرد، نتایج و ثمرات آن در یک بلوک سیاسی همگرا نیاز اعضا به لحاظ امنیتی-سیاسی را نیز تأمین می‌کند. مصداق بارز این واقعه را می‌توان در قاره اروپا یافت که برقراری و تقویت وابستگی اقتصادی کشورها در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی از جمله بازار مشترک به مثابه اهرمی برای تضمین صلح به کار گرفته شد. با نگاهی به تاریخ قاره اروپا مشخص خواهد شد که در گذشته اروپا در سیطره جنگ‌های خون‌باری بوده است. اما امروزه اروپا را می‌توان به عنوان قاره‌ای دانست که صلح و رعایت موازین حقوقی در آن نهادینه شده است. پیوستگی کشورهای اروپایی به میزانی است که در زمانی نه چندان دور اروپا به مثابه یک سرزمین فدرال جلوه‌گر خواهد شد. پول و سیاست خارجی واحد، از مهم‌ترین نشانه‌های همگرایی اتحادیه اروپا است، ضمن آن که نشانه‌های دیگری همانند پارلمان اروپایی نیز قابل توجه می‌باشد. شناخت مسیر

وحدت اروپا طی قرن بیستم میلادی، به‌ویژه از زمان پایان جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد، اهمیت فراوان دارد، زیرا اتحادیه اروپا هم اینک به‌عنوان یکی از بازیگران مهم بین‌المللی در عرصه اقتصاد و سیاست مطرح است (ذاکریان امیری، ۱۳۷۸: ۸۸).

### موانع همگرایی کامل در اتحادیه اروپا

مهمترین موانع وحدت و همگرایی تمام عیار اتحادیه اروپایی و عوامل شکل‌گیری واگرایی در اروپا، عبارتند از:

#### الف) عدم آمادگی برای انتقال حاکمیت ملی به اتحادیه اروپایی

از اصلی‌ترین موانع و مشکلات پروژه ادغام اروپایی بوده و هست. در حالی که اعضای اتحادیه اروپا در تحقق وحدت تجاری و وحدت پولی توفیق یافته‌اند در سایر بخش‌ها نتوانسته‌اند پیشرفت زیادی کسب نمایند. این حالت در بخش‌های سیاسی و نظامی نمود عینی‌تری دارد، هرچند در بخش اقتصادی نیز هنوز آثار آن به چشم می‌خورد. در بخش سیاسی، سیاست خارجی مشترک در دستور کار اتحادیه اروپایی قرار گرفته است ولی تا رسیدن به سیاست خارجی واحد اروپایی راه درازی در پیش است و چه بسا این مقوله اصولاً دست نیافتنی باشد. دلیل اصلی پیش نرفتن کار در این بخش بی‌میلی کشورها به واگذاری این بخش از حاکمیت خویش است، خصوصاً که سیاست خارجی از مهم‌ترین مصادیق حاکمیت ملی به حساب می‌آید. در بخش دفاعی-نظامی و امنیتی، وضعیت حتی حادتر و پیچیده‌تر است هرچند طی سال-های اخیر در جهت شکل دادن به سیاست دفاعی و امنیتی اروپا تلاش زیادی صورت گرفته اما این تلاش‌ها به غیر از ایجاد یک نیروی واکنش سریع نسبتاً کم‌حجم و تعیین مأموریت‌هایی محدود برای آن (مأموریت‌های پترزبورگ شامل مدیریت بحران، کمک‌های بشردوستانه و جلوگیری از درگیری) تا بحال نتیجه دیگری نداشته است. اروپا تا رسیدن به یک هویت دفاعی واحد و یک سیستم دفاعی یکپارچه بسیار فاصله دارد و معضل اصلی در این بین، آماده نبودن کشورهای اروپایی برای انتقال اختیارات خود به مقر و مرکز اتحادیه (بروکسل) می‌باشد (کریمی، ۱۳۸۷: ۶۹۶).

#### ب) گسترش جغرافیایی اتحادیه

با بسط جغرافیایی اتحادیه که در نتیجه پیوستن ۱۰ عضو جدید شرق اروپایی در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت، اتحادیه اروپا همسایگان جدیدی یافت. این امر اتحادیه را با چالش‌های جدیدی

مواجه ساخت که تا کنون ادامه داشته است. کمیسیون اروپا سه اصل تحکیم، مشروط سازی و ارتباطات را به عنوان اصول مهم حاکم بر راهبرد بسط اتحادیه اروپا مورد تاکید قرار داده است. بهرغم مباحث و اقدامات قانونگذارانه و اجرایی فراوان و پیوستن اعضای جدید همچون بلغارستان و رومانی، بحث در این باب همچنان داغ است و محور آن پیوستن ترکیه به اتحادیه و بسط آن به سمت غرب بالکان است. در حالی که کشورهای مثل انگلستان بنا به دلایلی که پیشتر ذکر شد از عضویت ترکیه در اتحادیه استقبال می کنند، اما هنوز بسیاری از صاحب نظران معتقدند پذیرش کشوری که دارای جمعیت مسلمان است، در اتحادیه اروپا امری تقریباً محال است و این در حالی است که طبق یک نظرسنجی در اکتبر سال ۲۰۰۸ از هر دو نفر شهروند ترکیه یک نفر موافق عضویت این کشور در اتحادیه اروپا بوده است. در همین ارتباط موضوع استقلال کوزوو و نیز روابط با روسیه از بحث انگیزترین موضوعات اتحادیه بوده است. در حالی که کشورهای اروپای شرقی خواهان رویکردی واقع گرایانه و سخت گیرانه در مناسبات با روسیه اند و بر ملاحظات امنیتی پافشاری می کنند، اعضای قدیمی تر کمتر به موضوع نگاه امنیتی دارند و بیشتر بر ظرفیت های فراوان همکاری و منافع مشترک تاکید می کنند. بدیهی است علایق و منافع کشورهای عضو نسبت به همسایگان اتحادیه تابعی از همبستگی های تاریخی - فرهنگی و نیز مجاورت یا نزدیکی جغرافیایی آنها بوده است. به عنوان مثال در مقابل ۱۵ کشوری که بسط اتحادیه از سمت شرق را ترجیح داده اند، فرانسه، ایتالیا، مالتا، اسپانیا و پرتغال سیاست نگاه به جنوب را توصیه کرده و کشورهای دیگری همچون قبرس، لوگزامبورگ، هلند و اسلوانی بسط متوازن از هر دو سو را مناسب دانسته اند. به طور کلی به نظر می رسد اتحادیه اروپا فاقد استراتژی واحد در خصوص چگونگی تعامل با همسایگان است. گروهی از کشورها بر این ایده پافشاری می کنند که همسایگان در مناسبات خود با اتحادیه اروپا نباید از جایگاه ویژه ای در مقایسه با سایر اعضای جامعه بین المللی برخوردار باشند، اما در مقابل برخی از اعضا بر ضرورت جایگاه ویژه یا روابط متفاوت اتحادیه با همسایگان تاکید دارند (شیخ الاسلامی و گلچین، ۱۳۸۸).

در نهایت می توان اظهار داشت که اتحادیه اروپا با توجه به مشکلاتی که از آن یاد شد شاید هرگز نتواند به شکل نهادی واحد در آید که از آن در پیمان لیسبون تحت عنوان ایالات متحده اروپا یاد شده است اما این موضوع مانع از آن نمی شود که نقش موثر این اتحادیه در جامعه بین الملل را بیش از یک سازمان بین المللی ارزیابی کنیم. حال باید دید ریاست جدید دوره ای

اتحادیه (اسپانیا) با موضوعاتی که در دستور کار خود دارد شامل عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، مهاجرت، وضعیت نیروهای نظامی مستقر در عراق و افغانستان، اوضاع خاورمیانه و مناسبات با روسیه به روند همگرایی کمک خواهد کرد یا آنکه همچنان گره مشکلاتی که به واگرایی در اتحادیه اروپا منجر می‌شود، باز نخواهد شد. اگرچه یافتن پاسخ برای این پرسش آسان نیست اما می‌توان مجموعه‌ای ملاحظات را در این باره مطرح کرد که می‌توانند در ارزیابی چگونگی کنش متقابل نیروهای جانب همگرایی و واگرایی به کار آیند. نخست آنکه در مقایسه فرایند تعمیق با فرایند بسط مشاهده می‌شود که بسط سهل‌تر از تعمیق رخ داده است، به بیان دیگر اگرچه پیوستن اعضای جدید به اتحادیه با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده اما به استثنای مورد ترکیه، می‌توان گفت که روند بسط جغرافیایی سرعت و ترتیبی متعارف داشته است (شیخ‌الاسلامی و گلچین، ۱۳۸۸).

### تاریخچه‌ی اتحادیه‌ی اروپا

روپای اروپای متحد تقریباً به قدمت خود اروپا می‌رسد. امپراطوری شارلمان<sup>۱</sup> اوایل قرن نهم بیشتر اروپای غربی را تحت پوشش قرار می‌داد. در اوایل دهه‌ی ۱۸۰۰، امپراطوری فرانسه، ناپلئون<sup>۲</sup> اول بیشتر قاره‌ی اروپا را احاطه کرده بود. طی جنگ جهانی دوم رهبر آلمان آدلف هیتلر<sup>۳</sup> تقریباً در اتحاد اروپا تحت سلطه‌ی نازی‌ها به موفقیت دست یافت. تمام این تلاش‌ها به علت این که آنها بیشتر بر اجبار دیگر ملت‌ها به انقیاد اتکا داشتند تا تشویق آنها به همکاری، به شکست انجامید. تا بعد از جنگ جهانی دوم، تلاش‌ها برای ایجاد سازمان‌ها، همکاری بهتری روی داد. تا آن زمان کشورها با هر تلاشی برای کاهش اختیارات خود شدیداً مخالفت می‌کردند و تمایلی به تجویز نظارت بر سیاست‌های خود نداشتند. تلاش‌های نامنظم اولیه‌ی همکاری، سازمان‌های بین‌المللی و بین‌الدولی بودند که وابسته به همکاری‌های داوطلبانه‌ی اعضای خود بودند در نتیجه، آنها هیچ اختیار الزامی مستقیمی بر اجرای قوانین و مقررات خود نداشتند. از سوی دیگر، سازمان‌های فراملی از اعضای خود خواستند حداقل بخشی از نظارت خود را بر حوزه‌های برنامه‌ریزی واگذار کرده و از عهده‌ی اجرای احکام خود برآیند. پس از جنگ جهانی

---

.Charlemane  
.Napoleon  
.Adolf Hitler



دوم، پیشنهادهای در خصوص برخی انواع سازمان‌های فراملی در اروپا به طور روزافزون تکرار می‌شد (یزدانی، ۱۳۸۶: ۲).

سنگ بنای اتحادیه اروپائی کنونی بیش از نیم قرن پیش با تأسیس «جامعه ذغال و فولاد اروپا» در سال ۱۹۵۱، توسط شش کشور آلمان فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوگزامبورگ در پاریس بنا نهاده شد. هدف از آن هماهنگ کردن سیاست‌های تولید ذغال و فولاد کشورهای عضو بود. روند وحدت اروپا با امضای معاهده رم و ایجاد «جامعه اقتصادی اروپا» و «جامعه انرژی اتمی اروپا» در ۲۵ مارس ۱۹۵۷، جهش نمایانی نشان داد. هدف از تأسیس جامعه اقتصادی اروپا، ایجاد یک بازار مشترک و اتخاذ سیاست‌های مشترک اقتصادی بود. موسسات مشترک سه جامعه بعدها با امضای معاهده‌ای در بروکسل، به تاریخ ۸ آوریل ۱۹۶۵، ادغام گردیدند و از اول ژوئیه ۱۹۶۷ با کلیت واحدی تحت عنوان «جوامع اروپائی» وارد صحنه اقتصادی-سیاسی جهان شد. هدف غائی این سه جامعه رسیدن به اتحاد سیاسی بود و هر سه جامعه به عنوان کلیت واحدی تحت عنوان «جامعه اروپا» شناخته می‌شدند (خالوزاده و کیانی، ۱۳۸۷: ۸۳).

دهه ۱۹۹۰ آغازگر تحولات زیادی در قاره اروپا و همچنین در روابط بین‌الملل بود. بدنبال پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک کمونیست، تغییرات زیادی در سطح قاره کهن بوجود آمد. در ابتدای این دهه، با برداشته شدن دیوار برلین، تقسیم اروپا و مرزبندی آن به شرق و غرب پایان یافت و شرایطی پیش آمد که همگرایی اروپایی مشخصه بارز آن است. صحنه اروپا پس از فروپاشی شوروی شرایطی را ایجاد کرد که کشورهای اروپایی روند همگرایی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دادند. دهه ۱۹۹۰ بوجود آورنده هویت اروپایی بود. در دسامبر ۱۹۹۱، با تصویب پیمان ماستریخت، اتحادیه اروپائی شکل گرفت و جایگزین جامعه اروپا شد. اتحادیه اروپائی با تاسیس خود برای اولین بار مفهوم شهروند اروپائی را بوجود آورد و هدف از آن، افزایش همکاری‌های بین دولتی در امور مالی و اقتصادی، همچنین ایجاد سیاست خارجی و امنیتی مشترک و همکاری در امور قضائی و داخلی کشورهای عضو بود. با امضای پیمان ماستریخت، اتحادیه اروپائی تحت نظارت شورای اروپائی متشکل از سران کشورها و دولت‌ها درآمد. پیمان ماستریخت یا معاهده اتحادیه اروپائی، معاهده مؤسس اتحادیه اروپائی محسوب می‌گردد که از سوی سران دولت‌های عضو جامعه اروپا در دسامبر ۱۹۹۱ تصویب و در ۷

فوریه ۱۹۹۲ به امضا رسید و از سال ۱۹۹۵، لازم الاجرا شد. به موجب این معاهده به شهروندان هر یک از دول عضو، عنوان "شهروندی اروپا" اعطا گردید (خالوزاده و کیانی، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۴).  
وحدت پولی اروپا و جریان یافتن یورو به مثابه یک نقطه عطف و بزرگ‌ترین سمبل در روند اتحاد و یکپارچگی اروپا و بزرگ‌ترین تلاش برای یکسان‌سازی واحدهای پولی در جهان می‌باشد. نیل به پول واحد اروپائی، از اول ژانویه ۲۰۰۲ در ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپائی به گردش درآمد و رسماً به عنوان پول رایج این کشورها مطرح شد. ایجاد یک پول مشترک به وحدت سیاسی و رونق اقتصادی اروپا کمک خواهد کرد. یکپارچگی پولی یکی از آخرین و مهمترین مراحل اتحاد اقتصادی اروپا است. در این مرحله بایستی تمامی ساختارهای اقتصادی و بویژه ساختارهای سیاست‌گذاری اقتصادی در این کشورها به سوی همگرایی باشد.

### روابط خارجی اتحادیه اروپا

وضعیت اقتصادی، تجاری و مالی اتحادیه، این سازمان را به یک بازیگر مهم جهانی تبدیل کرده است. سیاست‌های اتحادیه در ارتباط با دنیای خارج مشتمل بر موضوعات مهمی چون مسایل حقوق بشری، همکاری‌های توسعه‌ای، کمک‌های بشردوستانه، تجارت خارجی و نیز روابط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مهم است. در این قسمت نگاهی به مهمترین سیاست‌های اتحادیه در ارتباط با دنیای خارج می‌اندازیم (زنگنه، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

### الف) دفاع از حقوق بشر و دموکراسی

اتحادیه اروپا حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون را ارزش‌های کلیدی خود می‌داند. حقوق بشر را جهان شمول و این ارزشها را نه تنها در داخل مرزها، بلکه در رابطه با کشورهای غیر عضو نیز دنبال می‌کند. به خصوص کشورهایی که خواهان پیوستن به این سازمان هستند باید به این ارزشها احترام بگذارند. همه موافقت‌نامه‌های تجاری و همکاری با کشورهای ثالث نیز مشتمل بر بندی است که عنوان می‌کند حقوق بشر عنصری اساسی در رابطه بین طرفین است (The Eu and Human Rights, ۲۰۰۷).

اصول راهنمای اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر توسط شورای اتحادیه تصویب می‌شوند. برخی از این اصول کلی مصوب عبارتند از: اقدام علیه مجازات اعدام، اقدام علیه شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده و حقوق کودک. در مورد هر یک

از این اصول راهنما، از سوی اتحادیه اروپا اقدام ها و پیشنهاداتی برای اجرا سوی دولت‌های عضو تصویب شده است (۴۳۹: ۲۰۰۹، Fact Sheets on the European Union). در عمل، سیاست حقوق بشری اتحادیه مشتمل بر ابزارهای متنوعی است و تلاش دارد دغدغه‌های حقوق بشری را در همه سیاست‌ها و برنامه‌های اتحادیه در نظر داشته باشد و از طرح‌های ویژه برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر، پشتیبانی مالی به عمل می‌آورد. برخی از ابتکارهای حقوق بشری اتحادیه در روابط خارجی عبارتند از: شرط حقوق بشر و دموکراسی در موافقت‌نامه‌های خارجی اتحادیه اروپا، مواضع، اقدامات و راهبردهای مشترک، اعلامیه‌ها، گفتگوی سیاسی و گفتگوی ویژه حقوق بشری و حمایت از سازمان‌های غیر دولتی مدافع حقوق بشر و دموکراسی (زنگنه، ۱۳۹۲: ۲۰۶).

#### ب) گسترش اتحادیه اروپا

تا سال ۱۹۹۹ تمام کشورهای کمونیستی سابق اروپای شرقی تقاضای عضویت در اتحادیه اروپا نمودند. کشورهای اروپای شرقی اقتصادی کمتر توسعه یافته‌ای نسبت به اروپای غربی دارند که موجب طرح سؤالاتی در این خصوص شده است که آیا توانایی دارند از پس فشارهای رقابتی بازار داخلی اتحادیه اروپا برآیند. همچنین، اتحادیه اروپا در خصوص ثبات نهادهای دموکراتیک در کشورهای مزبور و تعهد آنها نسبت به حقوق بشر و حفظ حقوق اقلیت‌ها نگرانی داشت. گسترش اتحادیه اروپا قویا مستلزم ارزیابی مجدد طرح‌های اتحادیه اروپا بویژه طرح کپ و توزیع منابع اتحادیه اروپا بود. دولت‌های عضو ثروتمندتر نگران بودند که آنها بابد وجوهات بیشتری به اتحادیه بپردازند، در حالیکه دولت‌های عضو فقیرتر از اینکه سهم آنها از سرمایه‌ی اتحادیه اروپا در خصوص کشاورزی و توسعه‌ی منطقه‌ای شدیداً کاهش یابد، واهمه داشتند. همچنین چنین استدلال می‌شد که گسترش بدون اصلاحات مهم بنیادین کارآیی اتحادیه اروپا را کاهش خواهد داد. علی‌رغم این نگرانی‌ها، تجارت فی‌مابین اروپای شرقی و غربی پس از ۱۹۹۰ به‌طور اساسی افزایش یافت. دولت‌های غربی شروع به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در اروپای شرقی کردند. همزمان، اتحادیه اروپا کمک‌های اقتصادی ارایه کرد، موسسات مشترک ایجاد کرد، و توافقات سیاسی و همکاری‌های فرهنگی رسمی به امضا رساند. در سال ۱۹۹۷ اتحادیه اروپا با مذاکرات عضویت آزاد قبرس، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لهستان، و اسلوانی موافقت کرد که زمانی پس از سال ۲۰۰۰ به عضویت اتحادیه اروپا درآیند. سپس در سال ۲۰۰۰، اتحادیه اروپا مذاکرات الحاق با بلغارستان، لتویا، لیتوانی، مالت، رومانی و اسلواکی

را آغاز کرد. (همزمان، اتحادیه اروپا نپذیرفت که بطور مفصل تقاضا عضویت دائم از سوی ترکیه را پیگیری کند با ذکر نگرانی‌ها راجع به سوابق حقوق بشر این کشور). در ماه می ۲۰۰۴ اتحادیه اروپا رسماً ده تا از این کشورهای اروپایی را مورد پذیرش قرار داد، پس از آن نیز بلغارستان و رومانی را به‌عنوان دولت‌های عضو پذیرفت (یزدانی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۰).

گسترش جغرافیایی اتحادیه اروپا موسوم به گسترش عرضی چالش‌ها و موقعیت‌هایی را برای اتحادیه اروپا، اعضای آن و کشورهای نامزد عضویت به همراه دارد. این گسترش همچنین بر تعمیق این اتحادیه و تلاش‌های آن برای اصلاحات نهادین موثر است. هم‌اکنون سه کشور نامزد عضویت در این اتحادیه هستند: ترکیه، کرواسی و مقدونیه که مذاکرات الحاق دو کشور اول از سال ۲۰۰۵ آغاز شده است. از میان این کشورها، ترکیه بیشترین علاقه مندی را از خود نشان داده است (بیندی، ۱۳۹۳: ۲۲۵).

### روابط ترکیه و اتحادیه اروپا

سنگ بنای روابط ترکیه با اروپا در خصوص چشم‌انداز الحاق به تفاهم نامه آنکارا برمی‌گردد که در سال ۱۹۶۳ اولین گام عملی برای حضور ترکیه در جامعه اروپایی را محقق نمود، در این موافقتنامه بحث پیوستن ترکیه به اتحادیه گمرکی و نهایتاً عضویت دائم در جامعه اقتصادی اروپا در صورت فراهم شدن شرایط سیاسی و اقتصادی ترکیه مطرح گشت. در دهه ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم روابط ترکیه-اروپا فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرد که عمدتاً به دو عامل باز می‌گشت: کودتاهای نظامیان علیه دولت‌های مستقر و ماجرای دخالت نظامی ترکیه در قبرس در سال ۱۹۷۴ (Barbe and Soler, ۲۰۰۴: ۵). عوامل مذکور تنش‌های زیادی را بین دو طرف ایجاد کرد اما ترک‌ها هرگز از هدف خود برای اروپایی شدن دست نکشیدند. نکته جالب در روابط دو کشور درخواست جامعه اقتصادی اروپا از ترکیه برای اقدام به عضویت در جامعه سال ۱۹۷۸ بود که ترک‌ها آنرا نپذیرفتند. نقطه مهم دیگر در روزشمار روابط فیما بین، سال ۱۹۸۷ بود که ترکیه به موازات بهتر شدن اوضاع سیاسی داخلی و ثبات نسبی، به‌صورت رسمی تقاضای عضویت در جامعه اقتصادی اروپا کرد. اما این برهه زمان مناسبی برای تقاضای عضویت نبود چون هم اروپاییان درگیر پروژه بازار داخلی بودند و هم اینکه وضعیت داخلی ترکیه چندان چشم‌انداز روشنی نداشت، حتی فضای باز دوره تورگوت اوزال هم تضمینی برای ثبات داخلی و رشد دموکراسی در ترکیه نمی‌داد مخصوصاً اینکه در استان‌های جنوب شرقی ترکیه، درگیری

بین ارتش ترکیه و پ.ک.ک بالا گرفته بود، ضمن اینکه کودتاهای مستمر علیه دولت‌های مستقر از سوی نظامیان وجود داشت به‌طوری‌که اروپا روابط با ترکیه را از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ به تعلیق در آورد (Yilmaz, ۲۰۰۹).

در سال ۱۹۹۹ شورای اروپایی در اجلاس هلسینکی وضعیت کانیدیدا را به ترکیه اعطا کرد اما بدون یک تاریخ مشخص برای آغاز مذاکرات الحاق. در این موج شناسایی، دوازده کشور دیگر نیز این وضعیت را دریافت کردند. شورای اروپا اعلام کرد که ترکیه نیز مثل دیگر کشورها از استراتژی‌های پیش الحاق برخوردار می‌شود که شامل افزایش گفت و گوی سیاسی با تاکید بر تحقق معیارهای سیاسی برای الحاق با توجه خاص به حقوق بشر می‌گشت. شروع گفت و گوی سیاسی الحاق به ارزیابی اروپایی‌ها از تحقق شرایط مدنظر معیارهای سیاسی کپنهاگ و کمیسیون بر می‌گردد. در سال ۲۰۰۱ شورا مشارکت الحاق را برای ترکیه برگزید (Moreli, ۲۰۱۳: ۲). شورا ذیل عنوان افزایش گفت و گوی سیاسی و معیارهای سیاسی، یازده اولویت کوتاه‌مدت و نه اولویت میان‌مدت مشخص کرد که باید قبل از تصمیم به آغاز مذاکرات الحاق محقق شوند. بعد از اجلاس هلسینکی روند اصلاحات در ترکیه هم جدی‌تر شد در اکتبر ۲۰۰۱، سی و چهار ماده از قانون اساسی ترکیه که راه را برای اصلاح قوانین زیردستی باز می‌نمود اصلاح شد، حکم اعدام لغو شد، حق پخش برنامه و آموزش زبان غیر از ترکی آزاد شد، بحث حقوق اقلیت‌های مذهبی و آزادی بیان و ... مطرح گشت. بسته اصلاح بسیاری از تابوها را شکست و گام مهمی در نزدیکی روابط دو طرف شد (Narbone and Tocci, ۲۰۰۵: ۵).

در سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه انتخابات پارلمانی را برد و نخست وزیر یعنی اردوغان یک فرآیند جامع اصلاحات را آغاز کرد. در همین سال، شورای اروپایی کپنهاگ اعلام کرد گفت و گوی الحاق در دسامبر ۲۰۰۴ بدون تاخیر شروع خواهد شد به شرطی که کمیسیون در آن زمان تایید کند که ترکیه معیارهای کپنهاگ را برآورده کرده است. سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ دولت ترکیه روزهای پرفشار و پر استرسی را پشت سر نهاد و اصلاحات فراوانی را در قالب اصلاح قانون اساسی، پنج بسته قانون‌گذاری دیگر، افزایش تضمین‌های حقوقی آزادی اجتماع، مطبوعات و تظاهرات، افزایش شناسایی حقوق فرهنگی اقلیت‌ها، مبارزه علیه شکنجه و سوء-رفتار و ده‌ها اصلاحات جزئی دیگر انجام داد. در مرحله بعد اروپایی‌ها از سرعت کم اصلاحات در ترکیه انتقاد کردند، در این میان عدم حمایت ترکیه از حمله آمریکا به عراق امتیاز مثبتی را به اردوغان از سوی اروپایی‌ها اعطا کرد. در سال ۲۰۰۴ گزارش کمیسیون از پیشرفت‌های

مهم ترکیه در حوزه عملیاتی کردن اصلاحات سیاسی صحنه نهاد و توصیه کرد که مذاکرات الحاق با پیشنهاد یک استراتژی سه ستونی آغاز شود. این سه مورد عبارتند از: اتحادیه اروپا به وضعیت اصلاح نظارت کند و بر اساس مشروط سازی منفی سالانه وضعیت اصلاحات ترکیه را ارزیابی کند. چارچوب مذاکرات بین‌دولتی تمهید گردد و مذاکرات باز است و تاریخ پایان ندارد همچنین گفت و گو بین جوامع مدنی نیز ایجاد شود. دسامبر ۲۰۰۴ شورای اروپا گزارش و نظر کمیسیون را تصویب و زمان شروع مذاکرات را ۳ اکتبر ۲۰۰۵ اعلام کرد (۳: ۲۰۱۱: Muftuler).

### دلایل ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا

دلایل زیادی برای تمایل ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا وجود دارد، اما در این میان چهار دلیل بیشتر جلب نظر می‌کند که در زیر آورده می‌شود:

#### الف) ملاحظات سیاسی

بر پایه استدلال ترکیه، عضویت در اتحادیه سبب تحولات سیاسی در کشور خواهد شد که دسته‌ای بطور مستقیم به دست می‌آید و دسته‌ای دیگر به پیروی از تحولات رخ می‌دهد. از دلایلی که بیشتر صاحب‌نظران سیاسی در مورد پافشاری ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به دست می‌دهند که مهمترین آنها عبارتند از: ایجاد ثبات و امنیت سیاسی بیشتر، ایجاد تعادل در جهت کاهش قدرت نظامیان، ادامه و تقویت جدایی دین از سیاست، بی‌اثر کردن تلاش‌های مخالفین کشور، مانند یونان در اتحادیه، داشتن اهرمی در بهبود روابط با همسایگان آسیایی و افزایش نفوذ در خاورمیانه (نوع پرست، ۱۳۸۳: ۷۹).

تاریخ گذشته شاهد موارد زیادی از دخالت نظامیان در جهت محدود کردن دموکراسی از راه تسلط نظامی و کودتا در دهه ۱۹۶۰، دهه ۱۹۷۰ و حتی در دهه ۱۹۸۰ است، امری که در شرایط حاضر دیگر پذیرفته نیست و زمامداران و سیاستمداران ترکیه برای جلوگیری از آن و کاستن از قدرت نظامیان تلاش می‌کنند و بهترین تضمین برای ادامه اصلاحات دموکراتیک را دخالت عامل و انگیزه‌ای خارج از نظام سیاسی می‌دانند. سیاستمداران ترکیه برآنند که عضویت در اتحادیه نوعی نظارت دائمی بر امور را فراهم می‌آورد و خواه ناخواه به ارتقاء دموکراسی یاری می‌کند. همچنین پیوستن به اتحادیه، ثبات سیاسی و امنیت کشور را از راه‌های گوناگون سبب می‌شود (نوع پرست، ۱۳۸۳: ۸۰).

دیگر آنکه عضویت ترکیه به نوسازی نظام سیاسی از راه‌های گوناگون کمک خواهد کرد. همچنین دسترسی به تریبون‌های متنوع همچون، پارلمان اروپا، شورای اروپایی و دیگر ارکان اصلی و فرعی اتحادیه را به گونه دائمی تأمین می‌کند و فرصتی را در اختیار این کشور می‌گذارد که بتواند بدگمانی‌های گوناگون را از میان ببرد. برای نمونه در برابر سیاست‌های یونان موضع خود را تشریح و تقویت کند.

به دلیل واقعیت‌های سیاسی موجود و رویدادهای دو دهه اخیر در خاورمیانه و کشورهای همسایه، ترکیه مایل است که به جای خیال‌بافی در مورد اتحاد با کشورهای خاورمیانه یا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، منافع سیاسی خود را با پیوستن به اتحادیه اروپا تأمین کند.

#### ب) ایجاد حس هویت

ترکیه در پی عضویت در اتحادیه اروپا برای ارتقا و تحکیم پیوندهایش با اروپا و غرب و در نتیجه ایجاد یک هویت غربی واقعی می‌باشد (Huntington, ۱۹۹۶: ۱۴۴). پایان جنگ سرد، از میان رفتن تهدید پیمان ورشو و این برداشت که ترکیه از اروپا کنار گذاشته شده به احساس شک و تردید، ترس، آسیب‌پذیری و ناامنی در ترکیه منجر شده است. پس از انحلال پیمان ورشو، ناتو توجه خود را به تهدیدات جدید معطوف کرد. اعضای سابق پیمان ورشو به ناتو پیوستند. نظم جهانی متغیر و بسیار پیچیده پس از جنگ سرد سبب شد تا بسیاری از ترک‌ها هویت، ارزش استراتژیک و جایگاه خود را در جهان زیر سؤال ببرند. بسیاری از ترک‌ها عضویت در اتحادیه اروپا را ساز و کاری برای تحکیم هویت ترکیه و احساس تعلق می‌بینند که به بسیاری از نگرانی‌های فوق پایان خواهد داد (طاهایی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

#### ج) تقویت جایگاه سیاسی و اقتصادی

ترکیه از دیرباز در پی آن بود که از همان مزایای سیاسی و اقتصادی اعضای اتحادیه اروپا برخوردار شود. در واقع، عضویت در اتحادیه اروپا تجلی بخش دیدگاه آتاتورک در خصوص ایجاد یک ترکیه مدرن، مترقی و شکوفاست. امروزه محیط بین‌المللی جهانی شده، به هم پیوسته و بسیار رقابتی است. عضویت در اتحادیه اروپا می‌تواند توان سیاسی و اقتصادی ترکیه را برای بقا و شکوفایی در این محیط افزایش دهد. به لحاظ سیاسی، ترکیه به این نتیجه رسیده است که می‌تواند با ادغام در جامعه جهانی از طریق فرایند الحاق به اتحادیه اروپا بهتر با آثار منفی جهانی شدن مقابله کند (Oguzlu, ۲۰۰۴: ۲). از جمله این آثار منفی می‌تواند تجزیه کشور

باشد. به لحاظ اقتصادی نیز عضویت در اتحادیه می‌تواند سرمایه‌گذاری خارجی قابل توجهی را برای ترکیه جذب کند.

#### د) تسریع در انجام اصلاحات

پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا مستلزم انجام اصلاحاتی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی بوده است. بسیاری از ترک‌ها حرکت به سوی عضویت در اتحادیه اروپا را تسهیل‌کننده تلاش‌ها برای انجام اصلاحات می‌دانند. به گفته دیوید فیلیپس، لیبرال‌ها و بازرگانان به این دلیل خواهان عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند که این امر آزادی‌های اساسی را ارتقا بخشیده و اصلاحات اقتصادی را تسهیل می‌کند. اقلیت‌ها از جمله کردها عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را بهترین راه برای رعایت بیشتر حقوق بشر تصور می‌کند و اسلام‌گرایان بر این باورند که در این صورت امکان کودتای نظامی در ترکیه منتفی خواهد شد (Phillips, ۲۰۰۴: ۴).

#### موانع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا

از زمان امضای پروتکل آنکارا در سال ۱۹۶۳ که به موجب آن بررسی عضویت کامل ترکیه پذیرفته شد، چهل و سه سال می‌گذرد، موانعی بر سر راه عضویت ترکیه در این اتحادیه مطرح شده و پیوستن این کشور به اتحادیه اروپایی را به تعویق انداخته است. اهم موانع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی به شرح زیر است:

#### الف) موانع مذهبی

از میان موانعی که اتحادیه اروپا پیش پای ترکیه قرار داده است، شاید این کشور بتواند با انجام برخی اصلاحات به خواسته‌های اروپاییان تن دهد و نظر آنان را جلب کند، ولی گاهی اوقات بعضی مقامات اروپایی از مانع دیگری سخن می‌گویند که ترکیه حتی اگر تمام شرایط فعلی را برآورده سازد، برطرف کردن آن کاری بس دشوار و غیرممکن است و آن تمایزهای مذهبی میان اروپای مسیحی و ترکیه اسلامی است. هلموت اشمیت، از حزب سوسیال دموکرات اروپایی، با صراحت در تأیید مطالب بالا بر این باور است که مسائل مذهبی عاملی برای عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپاست (یزدانی و محمود اوغلی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).



اگرچه اروپا به ظاهر سکولاریسم است و تساهل مذهبی را در صدر اولویت‌های خود قرار داده، یکی از مباحث مهم در تعیین‌کننده در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا مسائل دینی به ویژه اسلام در ترکیه است. اتحادیه اروپا بارها اعلام کرده که گرایش‌های دینی در ترکیه از عوامل عدم پذیرش این کشور است. طی سال‌های اخیر، گرایش دولت مردان آنکارا به گسترش روابط با کشورهای اسلامی و همسویی با اهداف آنها، تأکید مردم ترکیه بر حفظ و ارتقای نگرش‌های دینی، حمایت افکار عمومی ترکیه از حزب‌الله لبنان و مقاومت ملت فلسطین و ارزش‌های نهضت‌های اسلام‌گرا و حفظ ارزش‌های دینی در کشورشان، تشدید مخالفت‌های اتحادیه اروپا را با عضویت این کشور به همراه داشته است، زیرا اروپا در نقطه مقابل خواستار تضعیف این ارزش‌هاست (عابدی، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

از نظر برخی از اروپایی‌ها، پیوستن ۷۱ میلیون مسلمان ترک به اتحادیه اروپا موجب خواهد شد تعداد مسلمانان موجود در این اتحادیه از ۳ درصد فعلی (۱۵ میلیون نفر) به ۲۰ درصد (۸۵ میلیون نفر) برسد. به همین علت، اتحادیه اروپا هر از گاهی اعلام می‌کند اگر چنین وضعیتی پیش آید، هرگز نمی‌تواند هویت مسیحی را در قانون اساسی اروپا تضمین کند. براساس برخی گزارش‌ها، ترکیه تا سال ۲۰۲۰ جمعیتی بیش از ۸۲ میلیون نفر خواهد داشت که در آن صورت، پرجمعیت‌ترین کشور اتحادیه اروپا خواهد شد. اگر ترکیه ۸۲ میلیون نفری کشوری اروپایی محسوب شود، هرگونه رأی‌گیری توازن اتحادیه را برهم خواهد زد (بی‌نام، ۱۳۸۵: ۱۱).

#### ب) حضور نظامیان در سیاست ترکیه

کشور ترکیه همواره به‌عنوان کشوری که نظامیان بر امور سیاسی آن مسلط هستند، شناخته شده است. به‌نحوی که از سال تأسیس آن در ۱۹۲۳ تاکنون با حضور ۶ رئیس‌جمهور نظامی به‌مدت بیش از ۵۶ سال اداره گردیده است. علاوه بر این حتی در دوره‌هایی که حکومت به‌طور مستقیم در دست نظامیان نبوده است نیز آنان همواره در پشت تصمیم‌گیری‌های سیاسی حضور داشته‌اند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

از عواملی که این حضور مستقیم و یا تأثیر غیرمستقیم را باعث گردیده‌اند می‌توان نقش تاریخی ارتش در ترکیه چه در دوره عثمانی و چه تشکیل جمهوری، ضعف ساختارها و نهادهای دیگر به جز ارتش و متقابلاً توانایی، سازماندهی و نقشی که ارتش پس از جمهوری در راستای نوسازی این کشور ایفا نمود، را نام برد. بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی، استقلال سیاسی و حقوقی ارتش، بحران استقلال طلبی و جنگ مسلحانه اکراد علیه دولت و همچنین اقدامات

اسلام‌گرایان و تلاش‌های دولت جهت مقابله با آنان، بهانه‌های لازم برای دخالت هرچه بیشتر در امور سیاسی را فراهم نموده بود. نهایتاً به لحاظ بین‌المللی، نقش ترکیه در دوره جنگ سرد و عضویت در ناتو در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق و همچنین وجود روابط متشنج با همسایگان از عوامل فزاینده نقش سیاسی ارتش بودند (یزدان فام، ۱۳۸۱: ۳۸).

وابستگی متقابل اقتصادی و صنعتی میان ارتش و دولت غیرنظامی و افزایش بی‌سابقه روابط تجاری و صنعتی ارتش با بخش صنعت، نقش ارتش در حفظ نظام لائیک و اصول کمالیزم تا اندازه‌ای تعدیل شده است. این امر فضای مناسب‌تری را برای مطرح شدن ایده‌ها و افکار جدید فراهم خواهد نمود و همچنین ارتش ناچار خواهد بود به علت اشتراک منافع با جامعه و دولت غیرنظامی، در هنگام مواجهه با بحران‌های سیاسی - اجتماعی راه‌حل مسالمت‌آمیزی را اتخاذ نماید (حافظیان، ۱۳۸۳: ۹۴).

### ج) مهاجرت

از نظر بسیاری از شهروندان و دولت‌مردان اروپایی با عضویت ترکیه در اتحادیه، جمعیت جوان و پویای ترک برای زندگی بهتر به سوی اروپا سرازیر خواهند شد. در این صورت اروپا به -عنوان جامعه‌ای مسیحی با خطرهایی مواجه خواهد شد. آنان برای اثبات دعاوی خود به میلیون‌ها ترک که در اروپا و کاملاً براساس آیین اسلام زندگی می‌کنند، اشاره می‌کنند. برخی پیش‌بینی‌های صاحب‌نظران سیاسی حاکی از آن است که به محض پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بیش از چهار میلیون ترک به اروپا به‌ویژه آلمان مهاجرت خواهند کرد (واحد ناوان، ۱۳۸۳: ۶۲). این نگاه با توجه به میزان بیکاری بالاتر در ترکیه به خصوص بیکاری ۲۵ درصدی در مناطق کردنشین این کشور در مقایسه با اتحادیه اروپا، نگرانی فرضیه مهاجرت کارگران ترک به اتحادیه به منظور دستیابی به شرایط بهتر زندگی را نزد اروپاییان قوی‌تر کرده است.

جالب آنکه هم اکنون شش میلیون ترک در کشورهای عضو اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند که این میزان بیش از جمعیت برخی دولت‌های اروپایی است. گرچه منابع رسمی اروپایی بیکاری شکل گرفته از این مهاجرت‌های احتمالی را به ویژه در شرایط بحران اقتصادی فعلی بهانه قرار داده‌اند، باید پذیرفت دین این مهاجران به عنوان عاملی تعیین‌کننده‌تر خودنمایی می‌کند، زیرا پیوستن ترکیه به این اتحادیه و در نتیجه مهاجرت جمعیت جوان این کشور به اروپا به ویژه آلمان ممکن است از دید اروپایی‌ها به عنوان عاملی

برای تبلیغ اسلام معنا شود. قطعاً این مهم از نظر اروپایی‌ها نگران‌کننده خواهد بود(بی- نام، ۱۳۷۹: ۱۴).

در سال‌های اخیر احزاب دست راستی به این ترس از مهاجرت ترک‌ها به اتحادیه اروپا دامن می‌زنند. آنان به‌خصوص در کشورهایی که در اپوزیسیون هستند، با بهره‌گیری از ترس از تهاجم معنوی ترک‌ها، درصد بسیج افکار عمومی برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی هستند. نمونه مشخص این موضوع در آلمان مشهود است. عجیب‌تر آنکه اکثر کارگران ترک به علت شرایط سخت زندگی خود در کشورشان و اعمال برخی بی‌عدالتی‌ها از سوی مقامات آنکارا نسبت به برخی قشرها و اقلیت‌ها(مانند مناطق کردنشین جنوب شرقی) به‌عنوان مخالفان دولت ترکیه در خارج از کشور ایفای نقش می‌کنند. این مهم با توجه به فضای بازتر سیاسی در اروپا در مقایسه با ترکیه و آشنایی این کارگران با شاخص‌های دموکراسی غربی موجب تحریک احساسات افکار عمومی اروپا در برابر حاکمیت ترکیه توسط این قشر برای گرفتن امتیاز بیشتر از دولت مردان ترکیه شده است. در تأیید این موضوع باید گفت هم‌اکنون بسیاری از این کارگران در پوشش نهادهای مدنی و گروه فشار در اروپا عمل می‌کنند. این گروه‌ها خواستار انجام اصلاحات گسترده‌تر و تضمین آزادی‌های مدنی قبل از عضویت ترکیه در اروپا هستند که با حمایت جریان‌های مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا همراه شده است(عابدی، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

#### د) حقوق بشر و دموکراسی

دولت‌های حاکم بر ترکیه اعم از نظامی و یا غیرنظامی برای حفظ میراث آتاتورک تدابیر شدیدی را در جهت کنترل جامعه و حفظ نظام اتخاذ کرده‌اند که در موارد زیادی محدودیت فراوانی برای بیان، تجمعات و مذهب به وجود آورده است. همچنین رفتارهایی نظیر شکنجه زندانیان، دستگیری‌های دلبخواهی، قتل‌های سیاسی و سانسور در ترکیه رواج زیادی داشته است(طاهایی، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

از زمان تشکیل جمهوری ترکیه، کردها که یک گروه قومی متمایز را تشکیل می‌دهند و جمعیت‌شان به بیش از ۱۰ میلیون نفر یا تقریباً ۲۰ درصد جمعیت کشور می‌رسد، مصائب بسیاری را متحمل شده‌اند. کردها که از جانب دولت ترکیه به‌عنوان یک گروه قومی متمایز شناسایی نشده بودند، دچار محرومیت‌های اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند.

مبارزات کردها تحت رهبری حزب کارگران کردستان یا پ.ک.ک طی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ به اوج خود رسید.

تحولات دهه اخیر در ترکیه باعث شده است که دموکراسی در این کشور، یک گام بلند به سوی تثبیت بیشتر بردارد. پیروزی اسلام‌گرایان، عدم دخالت جدی ارتش، رضایت بازندگان به نتیجه انتخابات و در نهایت انتخاب دموکراتیک رئیس‌جمهور، نشان‌دهنده گذار ترکیه به سوی یک حکومت دموکراتیک باثبات است. گفته می‌شود ترکیه در آینده حرکت خود را به سوی نوعی «لیبرالیسم اسلامی» و «تثبیت دموکراسی» ادامه خواهد داد. انتخابات سال ۲۰۰۷ ترکیه به معنای شکست را به سوی نوعی شکست افراط‌گرایان و پیروزی اعتدال‌گرایی بود. افراط‌گرایان اسلامی که زیر نظر حزب سعادت به رهبری می‌کردند، شکست سنگینی را متحمل شدند و تبلیغات آنها علیه اسلام‌گرایان معتدل حزب عدالت و توسعه خریداری پیدا نکرد (پارسایی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

دولت اردوغان از زمان روی کار آمدن در جهت زدودن غبار از گذشته تاریک رعایت حقوق بشر در ترکیه دست به یک رشته اصلاحات اجتماعی و حقوقی زده است از جمله الغای مجازات اعدام، جز در زمان جنگ، برداشتن محدودیت‌ها در زمینه زبان کردی، تدریس به این زبان و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به این زبان، و کاهش محدودیت‌ها در خصوص آزادی بیان و اجتماعات (Gorvett, ۲۰۰۴).

### کودتا در ترکیه

در شرایطی که در صحنه داخلی امیدی به تجدید نوع‌ثمنی‌گرایی نبود، ناگهان کودتای ۱۵ ژوئیه همگان را شگفت‌زده کرد. در مدت کوتاهی، اخبار از سقوط استانبول و آنکارا و مراکز حساس نظامی، اطلاعاتی و رسانه‌ای حکایت داشت و ارتش در بیانیه‌ای رسمی پایان حکومت اردوغان را برای کمک به دموکراسی و حقوق بشر اعلام کرد، اما از اردوغان خبری نبود تا اینکه در شبکه‌های اجتماعی ظاهر شد و از مردم خواست برای نجات دموکراسی به خیابان بریزند. کودتایی که از ساعت ۲۱ شب شروع شده بود، صبح نشده بود که طلیعه‌های شکستش آشکار گردید و اردوغان پیروزمندانه در استانبول در نشست خبری شرکت نمود و شکست کودتا را اعلام کرد. ابهام‌های زیادی در مورد ماهیت این کودتا وجود دارد. گروهی آن را حرکتی نمایشی از سوی اردوغان می‌دانند که برای مهندسی سیاسی-اجتماعی بعد از انتخابات طرح‌ریزی شده

است. گروهی دیگر آن را پروژه‌ای خارجی در همکاری با مخالفین داخلی می‌دانند که هدفش برکناری دولتی است که اقتدارگرایی‌اش در حوزه داخلی و آرمان‌گرایی‌اش در حوزه خارجی منافع هر دو طیف را به خطر انداخته است. گروه سومی هم وجود دارند که کودتا را فرایندی داخلی متأثر از روندهای سیاسی و بحران‌های اجتماعی اخیر ترکیه می‌دانند، که به صورت خودجوش و در تقابل با آنها شکل گرفته است. از نظر گروه سوم، کودتاهای پیشین در ترکیه در شرایطی شکل گرفتند که عمق بحران‌های سیاسی و اجتماعی ترکیه نصف بحران‌های امروز هم نبود و از این رو، کودتا با توجه به ذهنیت تاریخی موجود در ترکیه چنین شرایطی چیز بعید و دور از انتظاری نبود. نوشتار حاضر به ترکیبی از هر سه تحلیل فوق اعتقاد دارد، زیرا با توجه به حجم بحران‌هایی که در ۱۵ ژوئیه ترکیه را در بر گرفته بودند، همه طرف‌های مذکور به یک کودتا و شوک سیاسی احساس نیاز می‌کردند و برداشت‌شان آن بود که می‌توانند از منافع متأثر از کودتا به بهترین شیوه بهره‌مند شوند (بهرامی، ۱۳۹۵: ۵۹).

با تحلیل گروه اول که کودتا را نمایش می‌دانند، نمی‌توان مخالفتی زیادی کرد، هر چند نباید تک-متغیره به بحران بنگریم. اردوغان آرمان‌گرا به اردوغان واقع‌گرا تبدیل شده بود. او عمق بحران‌هایی را که متأثر از سیاست‌های پیشین خویش ایجاد کرده بود، درک کرده و سعی داشت به گونه‌ای به تیپ ایده‌آل نوعثمانی‌گرایی باز گردد. او هر چند در عرصه خارجی سعی کرده و سعی‌اش را کرد، اما در عرصه داخلی با نیروهای بوروکراتیک، حزبی و مدنی زیادی مواجه بود که دیگر حاضر به تبعیت از او نبودند و او به شرایطی نیاز داشت تا این موانع را از بین ببرد. تغییر ساختار، تغییر نفرت و تغییر قوانین بهترین شرایط را برای اردوغان ایجاد می‌کرد و این تنها در وضعیت فوق‌العاده‌ای برای او قابلیت تحقق داشت، وضعیتی که صرفاً از طریق کودتا قابل توجیه می‌بود، چیزی که نمونه‌های تاریخی آن با تجربه‌ای پیروزمندانه به او چراغ سبز نشان می‌دادند.

این همان سناریویی بود که به وقوع پیوست و اردوغان با ضدکودتا نه تنها کودتا را به محاق برد، بلکه توجیه لازم برای مهندسی سیاسی-اجتماعی را هم به دست آورد. بعد از کودتا، اردوغان قطعا به تغییر ساختارها، قوانین و نفرت خواهد پرداخت. ساختار ارتش، پلیس، دستگاه قضایی، سیستم آموزشی، سیستم اقتصادی و ساختار رسانه‌ای ترکیه جزو اولین ساختارهایی هستند که مورد هجوم او قرار گرفته‌اند، زیرا بیشترین مانع را در گذشته برای او ایجاد کرده‌اند. ارتش را در هر سه بخش هوایی، زمینی و دریایی تصفیه کرده است. همچنین، در مرحله بعد

سیستم قضایی را از قضاتی که وابسته به گولن و جریان‌های مخالف دیگر بودند و در گذشته مشکلاتی برای او در پرونده‌های امنیتی و مالی ایجاد کرده بودند، تصفیه کرد. هجوم به جامعه مدنی و حزبی ترکیه همچنان ادامه دارد و تا این لحظه ۱۶ شبکه تلویزیونی، ۳ سایت خبری، ۲۳ شبکه رادیویی، ۴۷ روزنامه، ۱۵ نشریه، ۲۹ موسسه و ۱۹ اتحادیه تعطیل شده‌اند. همچنین ۳۰ فرماندار، ۵۲ بازرس، ۸۷۷۷ کارمند دولتی و ۲۵۷ کارمند نخست وزیری برکنار شده‌اند (Taspinar, ۲۰۱۴: ۵۷).

در واقع، اردوغان مهندسی عظیم را برای برکناری مخالفان آغاز کرده و وضعیت فوق‌العاده ۳ ماهه توجیه لازم برای تعدی او به سایر ساختارها را هم فراهم خواهد آورد. در مرحله بعد، احزاب مخالف و قانون اساسی می‌توانند مورد نظر باشند. فضای امنیتی در کنار پوپولیسم برآمده از کودتا و مظلوم‌نمایی اردوغان، احتمالاً فرصت لازم را به او برای تغییر سیستم سیاسی در آینده نزدیک هم خواهد داد.

ذهنیت گروه دوم در مورد کمک‌های خارجی به کودتاگران که از سوی اردوغان مطرح می‌شود نیز می‌تواند دارای توجیه باشد. او گولنی‌ها را به کودتا متهم می‌کند، کسانی که در بدنه ارتش و ساختار قضایی و پلیس به شدت رخنه کرده‌اند. در پرونده ارگن اکن، گولنی‌ها دست بالا را در ارتش پیدا کردند و در اصلاحات قانون اساسی ۲۰۱۲ به صورت بارزی بر نظام قضایی و پلیس مسلط شدند. نزدیکی آمریکا به گولن و سلطه آن بر ساختار ارتش ترکیه در قالب ناتو هم مبرهن است. حضور گولن در آمریکا و فعالیت بیش از ۱۰۰ مدرسه گولن در این کشور، عمق نزدیکی او به آمریکا را نشان می‌دهد. ترکیه و آمریکا هم در تحولات جهان عرب به-خصوص مصر و سوریه و کردها چندان هم رای نبودند و نزدیکی اخیر به روسیه و ایران هم نمی‌تواند در ایجاد شکاف میان آنها بی‌تاثیر باشد. از این‌رو، هم گولن و هم آمریکا دارای دلایل کافی برای برکناری اردوغان بودند (Ozbudun, ۲۰۱۴: ۱۶۴).

در مورد استدلال گروه سوم هم بحران‌های موجود در ترکیه در دو حوزه داخلی و خارجی دلایل کافی برای کودتا بوده‌اند. در حوزه داخلی از ۲۰۰۴ به بعد اردوغان درصدد تضعیف ارتش بوده و به تصفیه‌های چندی در ارتش و پلیس دست زده است. از سوی دیگر، در سیاست متعارضی، با جنگ‌طلبی در موضوع کردها و در حوزه سیاست داخلی، به تقویت بیش از پیش ارتش، پلیس و سیستم قضایی کمک کرده است، زیرا هر نوع ماجراجویی داخلی و خارجی نظامی به نیروی قوی نظامی هم نیاز دارد. نارضایتی در درون ارتش و قدرت در حال

افزایش آن در دوران اخیر، شرایطی را ایجاد کرده تا ارتش مستقلا به کودتا دست بزند. در کنار این وضعیت شرایط بد دموکراسی در ترکیه و وضعیت امنیتی و نیز شرایط بحرانی اقتصاد دلایلی بودند که ارتش در تقابل با آنها به عنوان حافظ جمهوری، همان گونه که در گذشته عمل کرده است، این بار هم دست به کار شد (بهرامی، ۱۳۹۵: ۶۳).

در این راستا، می توان گفت این کودتا هم نمایش، هم پروژه و هم فرایندی بود که در صورت شکست یا پیروزی، منافع و فرصت های خاصی را برای بازیگران مختلف ایجاد می کرد. بارزترین پیامد این کودتا، رشد پوپولیسم سیاسی در ترکیه و تضعیف جامعه مدنی است. در ادامه قدرت یابی مجدد حزب عدالت و توسعه، تضعیف گفتمان های رقیب و تغییر ساختارها و قوانین محتمل است. در واقع در شرایط موجود ترک ها به سیاست تساهل منفعلانه در سیاست خارجی اکتفا می کنند و قطعا نقش منطقه ای آنان و قدرت شان در ابعاد نرم و سخت در منطقه کاهش خواهد یافت. ترک ها مجبور به تمرکز بر بحران های داخلی هستند، بحران هایی که هرچند در متن پوپولیسم سیاسی موجود به شیوه های نظامی می توانند کنترل شوند، اما ظرفیت های دموکراتیک جامعه مدنی در ترکیه و حجم طبقه متوسط پویا در این کشور و تاریخ سر بر آوردن مجدد این جامعه بعد از هر کودتا، به احتمال فراوان روزی دامان حزب عدالت و توسعه را گرفته و اردوغان را از سریر قدرت به زیر خواهد کشید. حتی اگر اردوغان در قالب طرح آشتی ملی بخواهد به سیاست های ۲۰۰۲ خود برگردد، دیگر آن رهبری نیست که بتواند اعتماد سیاسی و اجتماعی لازم برای ادغام گفتمان های سیاسی ترکیه را ایجاد کند (بهرامی، ۱۳۹۵: ۶۶).

### واکنش اتحادیه اروپا نسبت به رفتار اردوغان در برابر کودتا

گاردین در مطلبی با اشاره به کودتای اخیر در ترکیه و تاثیرگذاری آن بر روند پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا نوشت: کودتای نافرجام در ترکیه که باعث مرگ دسته کم ۲۳۲ شهروند ترکیه ای شد، شکنندگی دموکراسی را در کشوری به تصویر کشید که گمان می کرد دوران کودتای نظامیان را پشت سر گذاشته است. اما این کودتا در عین حال، فاصله زیاد ترکیه تا پیوستن به اتحادیه اروپا را نیز به همگان گوشزد کرد. رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه پس از شکست کودتا با سرکوب گسترده مخالفان خود فاصله کشورش تا اتحادیه اروپا را که تصور می شد با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، چندان دور از دسترس نباشد، بیش از پیش

افزایش داده است. در واقع، روابط اتحادیه اروپا با این کشور از سال ۲۰۰۵ که ترکیه به عنوان نامزد عضویت در اتحادیه اروپا شناخته شد، هیچ‌گاه تا این حد پرتنش نبوده است و اکنون پس از یک دهه مذاکره طولانی و خسته‌کننده به نظر می‌رسد که دو طرف در این مسیر طولانی با یک مانع بزرگ مواجه شده‌اند (محمدی‌فر، ۱۳۹۵).

ترکیه در سال ۲۰۰۴ به عنوان بخشی از تلاش‌های چند ساله خود برای پیوستن به اتحادیه اروپا مجازات اعدام را از قوانین کیفری حذف کرد. اما اردوغان اعلام کرده است در صورت خواست مردم، مجازات اعدام را مجدداً قانونی خواهد کرد. فدریکا موگیرینی<sup>۱</sup>، رئیس سیاست خارجه اتحادیه اروپا نگرانی‌های شدید خود را نسبت به برنامه برقراری مجدد حکم اعدام، تعطیلی روزنامه‌ها و بازداشت سیاستمداران برجسته اپوزیسیون ابراز کرده و گفت: این‌ها تحولات بسیار نگران کننده‌ای هستند که اجرای قانون، حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و دموکراسی در ترکیه را تضعیف می‌کنند. وی از مقامات ترکیه خواست بار دیگر با مخالفان و حامیان دموکراسی پای میز مذاکره بنشینند. مارک پیرینی<sup>۲</sup> فرستاده سابق اتحادیه اروپا در ترکیه معتقد است روابط ترکیه با اتحادیه اروپا اکنون در یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است. او می‌گوید اگرچه اردوغان در بازگرداندن دوباره مجازات اعدام به قانونی بودن این مجازات در آمریکا استناد می‌کند، اجرایی شدن مجدد این قانون در ترکیه، مذاکرات این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا را در بن‌بست قرار خواهد داد (بی‌نام، ۱۳۹۵).

افزون بر این، دولت ترکیه طی ۴۸ ساعت بعد از کودتا هزاران کارمند، درجه‌دار نظامی و قاضی را به اتهام کودتا، بازداشت یا از محل کار اخراج کرد. اقدامی که به شدت باعث عصبانیت یوهانس هان<sup>۳</sup> کمیسر توسعه اتحادیه اروپا شده است. او معتقد است که فهرست دستگیرشدگان به نظر از قبل از کودتا مشخص بوده است. المار براک<sup>۴</sup> رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان اروپا نیز در نشست فوق‌العاده این پارلمان اظهار داشت اردوغان کودتای اخیر در ترکیه را به یک ضدکودتا تبدیل کرده است. در این نشست، بسیاری از اعضای دیگر پارلمان اروپا نیز نسبت به آینده این کشور اظهار نگرانی کردند. به اعتقاد آنها، ترکیه پس از کودتا در مسیری قدم گذاشته است که آن را از تصور یک کشور اروپایی دور می‌کند (محمدی‌فر، ۱۳۹۵).

---

. Federica Mogherini  
. Mark Pirin  
. Uohannes Hahn  
. Elmar Brock



اما چالش جدیدی که در روابط این کشور با اتحادیه اروپا پس از کودتای بوجود آمده است، به وضوح نشان می‌دهد که آنکارا تا رسیدن به اتحادیه اروپا هنوز راه درازی در پیش دارد. همزمان با افزایش تنش‌ها در خصوص اقدامات پسا کودتای دولت ترکیه، اتحادیه اروپا مسدود کردن مذاکرات در خصوص درخواست الحاق آنکارا به این بلوک را در نظر دارد (بی‌نام، ۱۳۹۵).

### تهیه پیش نویس بر علیه درخواست عضویت ترکیه

کمیسیون اروپا گزارشی را در خصوص درخواست عضویت ترکیه به این بلوک منتشر خواهد کرد. که براساس پیش نویس این گزارش کمیسیون اروپا به این نتیجه خواهد رسید که وضعیت در ترکیه با توجه به اجرای قانون، آزادی رسانه‌ای و حقوق بشر که معیارهای اساسی برای پیوستن هر کشوری به اتحادیه اروپا منصوب می‌شود در مقایسه با سال ۲۰۱۵ میلادی وخیم‌تر شده است. به گفته دو تن از مقامات ارشد، نشست وزرای امور خارجه ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا در بروکسل نخستین دور از مذاکرات در خصوص تعریف مجدد روابط این بلوک با ترکیه و رسیدگی به گزینه تعلیق مذاکرات عضویت این کشور خواهد بود. اما دولت‌ها در اتحادیه اروپا نسبت به انجام چنین اقدامی که ممکن است توافق مهاجرت با ترکیه را به خطر اندازد و روابط با آنکارا را در این برهه حساس مبارزات غرب با داعش در سوریه و عراق خدشه‌دار کند دچار تفرقه شده‌اند.

در پیش نویس این گزارش اشاره شده است که پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه حدود ۴۰ هزار تن بازداشت، نزدیک به ۱۴۰ هزار کارمند دولتی اخراج یا تعلیق و بیش از ۴۰۰۰ نهاد و شرکت خصوصی تعطیل شدند و اموال و دارایی آنها مصادره یا به شرکت‌های دولتی منتقل شده است. در ادامه پیش نویس این گزارش آمده است: ماهیت جمعی این اقدامات سوالات جدی را به وجود آورده است. نگرانی‌های بسیار جدی در خصوص ابهامات موجود در موضوعات مطرح شده و مدارک استفاده شده‌ای که منجر به متهم شدن این افراد به مشارکت شده است، وجود دارد. جو اقتصادی در ترکیه نیز به دنبال اقدامات علیه رسانه‌های منتقد، تجار و مخالفان سیاسی لطمه دیده و اقدامات برای بهبود عملکرد بازارهای مواد غذایی، خدمات و کار متوقف شده است به طور کلی ترکیه نسبت به سال گذشته پسرقت داشته است. کمیسیون اروپا در

خصوص اقدامات ضد تروریستی دولت آنکارا علیه حزب کارگران کردستان ترکیه موسوم به پ ک ک نیز خاطرنشان کرد که هر اقدامی باید مناسب و با احترام به حقوق بشر صورت گیرد.

### صدور قطعنامه

پارلمان اروپا با صدور قطعنامه‌ای از کمیسیون و اعضای اتحادیه اروپا خواست تا به طور موقت مذاکره برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را متوقف کنند. پارلمان اروپا به قطعنامه توقف مذاکره با ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا رای مثبت داد. در این قطعنامه که البته لازم الاجرا نیست از کمیسیون و اعضای اتحادیه اروپا خواسته شده تا به طور موقت مذاکره با ترکیه را به تاخیر بیندازند. این قطعنامه با ۴۷۹ رای موافق در برابر ۳۷ رای مخالف و ۱۰۷ رای ممتنع به تصویب رسید. از دلایل پارلمان اروپا برای صدور چنین قطعنامه‌ای، سرکوب گسترده مخالفین آنکارا پس از کودتای ۱۵ جولای، ممانعت از آزادی بیان و تعطیلی رسانه‌ها و بازداشت رهبران احزاب گرد عنوان می‌شود (خرمایی، ۱۳۹۵).

### واکنش ترکیه نسبت به تعلیق عضویت

به دنبال افزایش تنش میان ترکیه و اتحادیه اروپا پس از رأی مثبت پارلمان این قاره به تعلیق مذاکرات پیوستن ترکیه به اتحادیه مذکور، رجب طیب اردوغان تأکید کرد: دوران اقدامات یکجانبه به سرآمده است. زیرا اتحادیه اروپا به وعده‌هایی که به ما داده بود عمل نکرده است. اردوغان افزود: کشورها و نهادهای اتحادیه اروپا، قادر به اخراج ما از اروپا نیستند. زیرا ما مهمان نیستیم. بلکه میزبان و صاحب خانه هستیم. وی تصریح کرد: مشکلات به وجود آمده میان ما و برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مرحله اخیر، تنش سیاسی است و اتحادیه اروپا هرگز نمی‌تواند ترکیه را نادیده بگیرد و تصریحات اخیر مقامات اتحادیه اروپا عامل اختلافات به وجود آمده است. رئیس‌جمهور ترکیه در ادامه با اشاره به کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه گذشته گفت: کسانی که در شب کودتا در صدد قتل من بودند، اعدام نشده‌اند. بلکه در مرحله کنونی تحت محاکمه هستند و این امر نشان‌دهنده آن است که ترکیه کشور قانونمندی است.

اتحادیه اروپا و ترکیه بعد از توافقی که در ماه مارس ۲۰۱۶ برای مهار بحران مهاجرت داشتند، از تسریع روند مذاکرات برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا خبر دادند امری که با شرایط فعلی دشوار به نظر می‌آید.

### نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا در راه رسیدن به یک همگرایی مناسب و اتخاذ یک رویکرد برای تعامل بیشتر با مناطق مختلف جهان با چالش‌ها و تهدیدات جدید و جدی روبه‌رو است که این چالش‌ها در قالب تمایل کشورهای جدید به عضویت در اتحادیه اروپا و آثار و عواقب تحولات جدید که در برخی از مناطق این اتحادیه رخ داده است، ظهور یافته است. که در این میان تمایل کشور ترکیه برای عضویت در این اتحادیه یکی از چالش برانگیزترین مسائل پیش روی این اتحادیه است.

ترکیه به دلیل موقعیت خاص تاریخی و راهبردی همواره به عنوان قدرتی منطقه‌ای در معادلات خاورمیانه، قفقاز و حتی اروپا نقش ایفا کرده است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی به‌عنوان رژیم‌های مذهبی و سنتی، شاهد حرکت تمام و کمال ترکیه در راستای ارزش‌های غربی و غیردینی و بعضاً ضددینی تحمیلی حاکمان لائیک این کشور بودیم. از این زمان پیوستن به بلوک ثروتمند اروپای غربی به کمال مطلوب نزد بسیاری از سیاستمداران، نخبگان و توده‌های مردم ترکیه تبدیل شده است. در رسیدن به این هدف، هیچ جریانی اعم از اسلام‌گرا و لائیک مشکلی ندارد. با وجود این، آرزوی ترک‌ها مبنی بر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تقریباً در حال تبدیل شدن به آرزوی داشتن کشوری مستقل از سوی فلسطینیها است.

اگرچه دخالت نظامیان در سیاست، بحران کردستان، نقض حقوق بشر بر اساس شاخص‌های غربی، وضعیت نامطلوب اقتصادی در مقایسه با اتحادیه اروپا، روابط پرتنش با برخی همسایگان چون ارمنستان و مشکل لاینحل قبرس به‌عنوان عواملی مطرح‌اند که موجب ایجاد مرزبندی سیاسی میان ترکیه و اتحادیه اروپا شده‌اند، با توجه به اقدام ترکیه برای اصلاحات اساسی ساختار قضایی، مدنی و حتی قانون اساسی به منظور همراهی با شاخص‌های اروپایی و محدود کردن اختیارات نهادهایی چون دادگاه قانون اساسی و نظامیان در کنار تداوم رویکرد منفی اروپا به عضویت آنکارا، به‌نظر می‌رسد آنچه مانع تحقق رؤیای چندین ساله اروپایی

شدن ترکیه شده، دین و هویت تاریخی و اسلامی مردم این کشور است. کشورهای کلیدی اروپا که هنوز تلخی ناشی از اقتدار و شکوه امپراتوری اسلامی عثمانی و تسلط آن بر تقریباً کل اروپا را در ذائقه دارند، با طرح بهانه‌های فراوان از پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا جلوگیری می‌کنند. هنوز هم بسیاری از اروپاییان بر این باورند که در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، بار دیگر کابوس حاکمیت مسلمانان بر اروپا در شکلی دیگر تحقق خواهد یافت. از بدو پیدایش اسلام و آغاز رقابت‌های اوهم گونه اربابان کلیسا با اسلام، شاهد نوعی کج‌فهمی و در نهایت آنچه از آن با عنوان «اسلام هراسی» یاد می‌شود، در ذهنیت برخی اروپاییان بوده‌ایم.

با مطالعه اوضاع اقتصادی، سیاسی و نظامی ترکیه می‌توان به این نتیجه رسید که وقوع کودتای ۱۵ جولای، به احتمال زیاد نتیجه بدعت بسیار خطرناک در تاریخ سیاسی این کشور در اقدام به براندازی حزب حاکم با توسل به کودتای نظامی است. در حقیقت، در هر برهه‌ای از تاریخ این کشور که مردم از سیاست‌های حزب حاکم به‌خاطر عملکرد ناموفق‌اش در عرصه اقتصادی و یا سیاسی ناراضی بوده‌اند، نظامیان به بهانه اصلاح سیاست‌های غلط گذشته و وعده بازگرداندن امنیت، ثبات و رفاه اقتصادی به کشور و مردم، به خود اجازه داده‌اند که با سوء استفاده از شرایط موجود، به‌عنوان قیم ملت و قانون اساسی وارد عرصه سیاست شوند و با کنار گذاشتن دولت‌های قانونی و منتخب، سکان هدایت کشور را به‌دست گیرند. این کودتای نافرجام می‌تواند هم درسی برای جامعه مدنی ترکیه، هم سیاستمداران حزب حاکم عدالت و توسعه و هم نظامیان ارتش داشته باشد. جامعه مدنی ترکیه باید به‌خاطر داشته باشد که اقدامات رجب طیب اردوغان، به‌عنوان رئیس‌جمهور کشور شاید با آرمان‌های دموکراتیک غربی وعده داده شده در قانون اساسی این کشور مطابق نباشد، اما در هر صورت اردوغان یک دیکتاتور نیست و حکومت وی از حکومت نظامیان چکمه پوش بسیار قابل قبول تر است. لذا باید جامعه مدنی ترکیه به‌خصوص احزاب رقیب و مخالف سعی کنند تا در کنار دولت برای پیشرفت و سعادت ملت تلاش کنند، نه تضعیف همدیگر. سیاستمداران حزب حاکم عدالت و توسعه نیز باید هوشیار باشند که به سمت قبضه قدرت و جامعه تک‌صدایی نروند. چرا که اگر جامعه چند صدایی ترکیه با روزنامه‌ها و احزاب و رادیو تلویزیون‌های متعدد نبود، چه بسا کودتای ۱۵ جولای مثل چهار کودتای سابق در این کشور موفق می‌شد و می‌توانست دستاوردهای ۱۴ ساله دولت و حزب حاکم عدالت و توسعه را در یک شب به فنا دهد. لذا، شخص رئیس‌جمهور

اردوغان باید از تساهل و تسامح بیشتری برخوردار بوده و اجازه دهد گردش آزاد نخبگان که به اعتقاد پارتو جامعه‌شناس ایتالیایی، جزو لاینفک دموکراسی است در کشور بطور آزادانه‌ای در جریان باشد. نظامیان ارتش ترکیه نیز باید به این درک و شعور سیاسی برسند که دیگر زمان اقدامات کودتایی به سر آمده است و امروزه به سبب وجود جامعه مدنی به نسبت قوی‌تر ترکیه نسبت به دهه‌های گذشته و ارتباط بیشتر میان حاکمان و ملت و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، دیگر نمی‌توان با ایجاد خفقان سیاسی و قبضه وسایل ارتباط جمعی دست به کودتا زد. پس از وقوع کودتا و اقداماتی که اردوغان در برابر کودتا و کودتاگران انجام داد، نظر اروپاییان نسبت به دولت و حکومت ترکیه تغییر کرده و روند رو به رشد مذاکرات بین این اتحادیه و ترکیه برای الحاق این کشور به اتحادیه با مشکل اساسی روبه‌رو شده است و مذاکرات و اقداماتی که طی چند سال گذشته بین طرفین وجود داشته، پس از عکس‌العمل‌های دولت مردان ترکی در مقابل این کودتا بی‌اثر شده است و مسئولین ترکی باید برای متقاعد کردن اروپاییان دوباره تن به خواسته‌های آنها دهند، که به نظر می‌رسد نیازمند مدت زمان طولانی‌تری است.

بنابراین، نمی‌توان به‌طور قطع در مورد آینده روابط ترکیه-اتحادیه اروپا اظهار نظر کرد، شاید بهترین نتیجه‌گیری بتواند بررسی سناریوهای مختلفی باشد که بتوان برای آینده روابط ترکیه<sup>۵</sup> اروپا متصور بود. به اعتقاد نگارنده با توجه به مشکلات ماهوی بین ترکیه و اروپا محتمل‌ترین سناریو، اعطای نوعی خاص و ابتکاری از رابطه با ترکیه از سوی اروپا است که عضویت نیست و از آن تحت عنوان مشارکت ویژه یاد می‌شود، به‌عبارتی به‌واسطه اهمیت ژئوپولیتیکی و اهمیت ترکیه در حوزه امنیت انرژی و واسطه بودن بین اروپا و جهان اسلام اروپا دسترسی به ترکیه را از نظر دور نگه نمی‌دارد. سناریوی دیگر این است که ترکیه با انجام اصلاحات بیشتر و افزایش بیشتر سطح قدرت خود، با روبه‌رو شدن تردید اروپایی‌ها روی از اروپا بر می‌گرداند و سعی در ایفای نقش پل منطقه‌ای بین قفقاز، خاورمیانه و اروپا دارد، در این حالت روابط ترکیه با خاورمیانه و پیرامون و همین‌طور روسیه و آمریکا اساسی‌تر می‌شود، اگر قدرتمندی ترکیه با ضعف داخلی و تداوم بحران فعلی اروپا هم‌زمان گردد احتمال این سناریو بیشتر است، تهدید اردوغان به اینکه اروپا اگر تا سال ۲۰۲۳ ترکیه را نپذیرد این کشور را از دست خواهد داد در این راستا قابل ارزیابی است. سناریوی سوم بدین صورت است که روابط ترکیه و اروپا در قالب سیاست همسایگی نگه داشته می‌شود و سیاست همسایگی آلترناتیو عضویت ترکیه در اروپا

شود، این مسئله مخصوصاً با درک بی‌ثباتی در مرزهای ترکیه و تلاش اروپا برای ایجاد حائل بین مرزهای خود و مناطق بی‌ثبات قابل فهم است. بنابراین، با توجه به شرایط موجود در عرصه بین‌المللی و موانع ذکر شده به‌خصوص مواضع و بهانه‌تراشی‌های احتمالی آینده، نمی‌توان افقی را دست‌کم در کوتاه‌مدت برای پیوستن آنکارا به اتحادیه اروپا در نظر گرفت.



## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- بهرامی، سیامک (۱۳۹۵). «انحراف از نوع‌ثمانی‌گرایی و کودتا در ترکیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره سوم.
- بی‌نام (۱۳۹۵). «اتحادیه اروپا به دنبال تعلیق مذاکرات درباره الحاق ترکیه»، خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی در: [www.isna.ir](http://www.isna.ir). تاریخ مشاهده ۱۳۹۵/۱۱/۸.
- بی‌نام، (۱۳۷۹)، تفسیر سیاسی اتحادیه اروپا و تداوم تحقیر ترکیه، روزنامه جمهوری اسلامی.
- بی‌نام، (۱۳۸۵)، داستان تکراری ترکیه و اتحادیه اروپا، روزنامه ایران ۲۸ آبان.
- بیندی، فدیگا (۱۳۹۳)، سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ترجمه پریسا شاه محمدی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.پ
- پارسایی، سید مهدی (۱۳۹۵). «بررسی روابط اتحادیه اروپا و ترکیه»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۰.
- توحیدفام، محمد و انوشا حضوری طریقه (۱۳۹۰). «تاثیر ساختار سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر روابط خارجی ایران با کشورهای عضو»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۳). «ترکیه: نخبگان سیاسی-نظامی و چالش‌های دموکراسی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۱.
- خالوزاده، سعید و داود کیانی (۱۳۸۷). «اتحادیه اروپا و نظام بین الملل»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره ۱۶.
- خرمایی، مریم (۱۳۹۵). «رای پارلمان اروپا به توقف مذاکرات پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا»، خبرگزاری مهر، قابل دسترسی در: [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com). تاریخ مشاهده ۱۳۹۵ / ۱۱ / ۵.
- ذاکریان‌امیری، مهدی (۱۳۷۸). «فرآیند اتحاد اروپا»، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۱۰.
- زنگنه، حمید (۱۳۹۲). اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و مژگان گلچین (۱۳۸۸). «چالش‌های بسط و تعمیق در اتحادیه اروپا و اگرایی علیه همگرایی»، مهرنامه، شماره ۱.
- طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۹). «اسلام عاملی بازدارنده برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا»، پژوهش-نامه سیاست خارجی، شماره ۲۵.

- عابدی، رضا (۱۳۸۹). «دلایل عدم الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا»، آفاق امنیت، سال دوم، شماره ۷.
- قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۱). «آینده روابط ترکیه و غرب: به سوی یک طرح استراتژیک، معرفی و نقد کتاب»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴.
- کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین‌المللی «تجربه جهان سوم»، تهران: انتشارات پیک ایران.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
- کریمی، هوشنگ (۱۳۸۷). «جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل در حال تکوین: موانع و چالش‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۸۶.
- محمدی فر، رضا (۱۳۹۵). «کودتا راه طولانی ترکیه تا اتحادیه اروپا را طولانی تر کرد»، باشگاه خبرنگاران جوان، قابل دسترسی در: [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir). تاریخ مشاهده ۱۳۹۵/۱۱/۶.
- نوع پرست، زهرا (۱۳۸۳). «ترکیه و اتحادیه اروپا: دو دستگی آراء»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال نوزدهم، شماره پنجم و ششم.
- واحدناوان، عارف (۱۳۸۳). «سکولارهای مؤمن ترکیه در بازی اتحادیه اروپا»، گزارش.
- یزدانفام، محمود (۱۳۸۱). «سیاست نظامی ترکیه، چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه نگاه، شماره ۲۸.
- یزدانی، عنایت‌الله و رضا محمود اوغلی (۱۳۸۸). «الحاق ترکیه در اتحادیه اروپا و فرصت‌ها و چالش‌های به وجود آمده بین دو طرف»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۳، بهار.

#### ب) منابع انگلیسی

- Barbé, Esther and Eduard Soler i Lecha ( ). **EU-Turkish Relations, Special Dossier of the Observatory of European Foreign Policy**, European Union Center of North Carolina, EU Briefings.
- Chilcote Ronald ( ). **Comparative Politics the Search for a Paradigm** Westview Press Boulder Colorado.
- Columbis Theodore and Wolfe James ( ), **Introduction to International Relations Power and Justice** Englewood Cliffs New Jersey .
- Dougherty James ( ). **Contending Theories in International Relations** Philadelphia J.B Lippincott Company .
- Fact Sheets on the European Union**, ( ). Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities.
- Govrett, Jon ( ). **Ankara Seethes as Parliamentary Reforms Fail to Open Door to EU**, The Washington Report on Middle East Affairs : [database on-line]; Available from Pro Quest; Accessed September .
- Huntington, Samuel ( ). **The Clash of Civilizations and the Remaking of**



- World Order**, New York, NY: Simon & Schuster.
- Morelli, Vincent ( ). **European Union Enlargement**, A Status Report on Turkey's Accession Negotiations Congressional Research Service.
- Muftuler, Melitem ( ). **The European Union and Turkey**, Available at: [www.Reconproject.Com](http://www.Reconproject.Com).
- Narbone, Luigi and Nathalie Tocci ( ). **Running Around IN Circles? The Cyclical Relationship between Turkey and the European Union**, Available at: [www.Cespi.It](http://www.Cespi.It).
- Oguzlu, H. Tarik ( ). **Changing Dynamics of Turkey's U.S. and EU Relations, Middle East Policy** [database on-line], Available from Pro Quest, Accessed September .
- Ozbudun, Ergun ( ). **Akp at the Crossroads: Erdogans Majoritarian Drift, South European Society and Politics**, Volume .
- Phillips, David L. ( ). **Turkey's Dreams of Accession**, Foreign Affairs [database on-line], available from Pro Quest, Accessed October .
- Taspinar, Omer ( ). **The End of the Turkish Model, Survival: Global Politics and Strategy**, Volume .
- The Eu and Human Rights**, (۲۰۰۷). at: [http:// eeas. Europa. Eu/human-rights/index-en.htm](http://eeas.europa.eu/human-rights/index-en.htm).
- Yilmaz, H. ( ). **in Turkey's Accession to the European Union: An Unusual Candidacy**, Edited by Arvanitopoulos, C. Berlin: Springer.



